

# موضوعها و مضمونها را در بزم تاجرخیر اریلان نمایشنامه نویسان معروف جهان

ناگاه آن ستاره‌ای که در مشرق دیده بودند پیش روی ایشان میرفت تا فوق آنجائی که طفل بود رسیده پایستاد. و چون ستاره را دیدند بینهایت شاد و خوشحال گشتند. و بخانه درآمده طفل را با مادرش مریم یافتند و بروی در افتاده او را پرستش کردند و ذخایر خود را گشوده هدایای طلا و کندر و مسربوی گذرانیدند. و چون در خواب وحی بدیشان در رسید که بنزد هیرودیس بازگشت نکنند پس از راه دیگر بوطن خویش مراجعت کردند. و چون ایشان روانه شدند، ناگاه فرشته خداوند در خواب بیوسف ظاهر شده گفت برخیز و طفل و مادرش را برداشته بمصر فرار کن و در آنجا باش تا بنو خیردهم زیرا که هیرودیس طفل را جستجو خواهد کرد تا او را هلاک نماید. پس شبانگاه برخاسته طفل و مادر او را برداشته سوی مصر روانه شد. و تا وفات هیرودیس در آنجا بماند تا کلامی که خداوند بزبان نبی گفته بود تمام گردد که از مصر پسر خود را خواندم. چون هیرودیس دید که مجوسیان او را سحر به نموده‌اند بسیار غضبناک شده فرستاده و جمیع اطفالی را که در بیت لحم و تمام نواحی آن بودند از دوساله و کمتر موافق وقتی که از مجوسیان تحقیق نموده بود بقتل رسانید.

چنانکه ملاحظه میشود در ترجمه فارسی انجیل از یونانی برای کسانی که از مشرق بنا بر حرکت ستارگان زیارت مسیح نوزاد رفت‌اند درسه مورد کلمه «مجوس» بکار رفته در صورتیکه در نمایشنامه موسوم به «میلاد مسیح» Nativity که شرح سابقاً داده شده و تاریخ تصنیفش احتمالاً بین سده سیزدهم تا سده پانزدهم میلادی است کلمه «پادشاه» بکار برده شده است. در متن انگلیسی انجیل تعبیر Wise men که بمعنی خردمند و فرزانه و حکیم است و در ترجمه فرانسوی آن نیز کلمه Les Sages که آن هم بمعنی دانا و با خرد است بکار رفته. در قرآن کریم در سوره مریم قصه تولد مسیح، البته متفاوت با آنچه در انجیل است، بتفصیل آمده ولی راجع به مسافرت مجوسها به بیت لحم اشاره‌ای نشده است.<sup>۲</sup>

در تاریخ بلعمی نیز توضیحاتی درباره تولد حضرت مسیح داده شده و راجع به آمدن گروهی از منجمان شام، برای زیارت نوزاد نیز مطالبی باین شرح بیان شده است: «و چون عیسی از مادر بیامد بی پدر و این هردوس ملک بشنید عجب آمدش چون روزی ده برآمد مردمان بیامدند از شام به بیت المقدس که مرعیسی را ببینند و خبری یافتند که پسر بی پدر از مادر بی پدر

۲ - رجوع شود به قرآن مجید، سوره مریم، از آیه هفدهم بعد و بابه The Koran, by George Sale

و نیز به قصص قرآن، تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، از انتشارات دانشگاه تهران شماره ۱۱۷۹ و قصص قرآن

تالیف سیدضیاءالدین بلخی چاپ تهران ۱۳۳۱.



۲۰۱



۲

۲۰۱- تصویر مجوسان و ملازمان ایشان در راه زیارت مسیح نوزاد در بیت لحم. این تصویر در کاخ معروف «ریکاری» Riccardi در شهر فلورانس بر دیوار بر روی گچ Fresque نقاشی شده است. ملاحظه میشود که لباس مجوسان در اینجا لباس پادشاهان و درباریان دربار سلطنتی مدیسی Medici است. این نقاشی اثر «بنوتزو گوئزوله» Benozzo Gozzole نقاش ایتالیایی است که در سال ۱۴۴۰ در شهر فلورانس بدنیاً آمده است.

۳- تصویر سه نفر مجوس که از مشرق بزیارت مسیح نوزاد آمده‌اند در زیر گنبد کلیسای سانتاماریا ماجیوره S. Maria Maggiore در رم. لباس سه مجوس در اینجا لباس مهرپرستان است.

وایشان منجسمان بودند و حکم بسیار داشتند و به کتب نجوم اندر بیافتند که فلان روز بی پدر پسری بر زمین آمد به بیت المقدس با آن پسر آیت بود اندر جهان، ایشان چون آن روز بیود بیامدند و دانسته بودند که چون این پسر بزاید فتنه و آشوب در جهان افتد، برخاستند و روی سوی بیت المقدس نهادند تا عیسی و مادرش را ببینند و با خویشان هدیهها آوردند که عیسی و مادرش را دهند سه چیز: زر و مسر و کندر و مسر داروی است تلخ چون مسر به اندامهای شکسته برمالند تا بگیرد و درست کند. پس چون بدر بیت المقدس آمدند این ملک هردوس را خبر آوردند که



مردمانی بدین صفت آمدند از شام و با ایشان زر و مَر و کندر است، ایشان را بخواست و گفت شما بدین شهر بچه آمدید؟ گفتند پسرى آمده است اینجا از زنى بی پدر، ما بنجوم اندر یافتیم بیامدیم که اورا ببینیم، و این چیزها اورا هدیه دهیم، و اندر خبری دیگر ایدونست که ایشان را ملکی فرستاد از شهری از شهرهای شام که اندر نجوم یافته بود و بخبری دیگر ایدونست که ملکی از ملوک عجم اورا بفرستاده بود که اندر کتب داینال یافته بود. ایشان هر دوس را بگفتند که ما را ملك فرستاده است سوی این فرزند که بزادست. و این هدیهها اورا فرستاد. هر دوس گفت این هدیهها را چه معنی؟ گفتند زر بهتر همه گوهرهاست اندر جهان، و این پسر برتر همه خلق جهانست از آدمیان، مَر دارویی است که همه شکستها را ببندند. همچنین این پسر خستگیها و بیماریها و جراحاتها درست کند بدعا کردن او تا خدای تعالی مستجاب کند و کندر چیزی است که اورا بسوزی از وی بوی و دود برآید و بهوا ابر شود و بوی بر آسمان برود و بوی هیچ (چیز) بر آسمان نرسد مگر بوی کندر. و این مرد چون بزرگ شود خدای تعالی اورا بر آسمان برد. این هر سه چیز مثال اوست، پس این ملك عیسی را حد کرد و چون این مردمان برقتند قصد آن کرد که عیسی را بکشد، مریم از آن آگاه شد و گروهی بگفتند خدای تعالی وحی والهام داد و بدل اندر افتادش. و گروهی بگفتند فرشته بیامد و مریم را آگاه کرد و فرمودش که عیسی را از بیت المقدس بیرون برد، پس مریم بر خر نشست و عیسی را پیش گرفت و یوسف نجار را که پسر عمش بود با خویشان بیرون برد و از زمین بیت المقدس برفت و از حد شام بیرون شد، و بزمن مصر شد.

ملاحظه میشود که در تاریخ بلعی که متعلق به نیمه اول سده چهارم هجری است نیز زایران مسیح نوزاد را منجم معرفی میکند.

تصویرهایی هم درباره این زوار از مسیح نوزاد در معابد و کلیساهای مسیحی در نقاط مختلف جهان موجود است. باید دانست که در کتاب انجیل تعداد این گروه، چنانکه دیدیم، مشخص نشده است و بهمین دلیل در تصویرهای ایشان هم تعدادشان ثابت نیست. در کلیسای موسوم به «سن پیر و مارسلن» San-Pierre-di Marcellani در رم ایشان را دو نفر نقش کرده اند ولی در کلیسای معروف «سانتا ماریا ماجیوره» Santa Maria Maggiore که آن هم در رم است سه نفر اند و لباس ایشان لباس پیروان مهرپرستی<sup>۳</sup> Mithraism است و کلاهی که بر دارند کلاه قبایل فرژی<sup>۴</sup> Phrygian است.

در سده دوازدهم میلادی هنرمندان و پیشوایان مذهب مسیح در صدد برآمدند که هویت مشخصی برای این سه نفر تعیین سازند. اولاً آنها را پخوانوانده سلطنتی منسوب داشتند و بهمین دلیل است که در نمایشنامه میلاد مسیح Nativity آنها را پادشاه خوانده اند. در ضمن شکل و شمایل ایشان را هم مشخص ساختند باین معنی که یکی از ایشان را که بنام «گاسپار» Gaspar یا Jasper نامیده شد بشکل جوانی بدون ریش و سیبیل نقش کردند، و دومی را که «بالتازار» Balthazar نام نهادند بشکل مردی کامل و سومی که «ملکیور» Melchior نامیده شد بصورت يك روستایی و با انبوهی از ریش و سیبیل ولی با سری طاس نقش کردند.

در سده پانزدهم درباره خصوصیات نژادی ایشان هم تصمیماتی گرفتند و وجه امتیازی هم از این لحاظ برای ایشان قائل شدند. باین ترتیب که یکی از ایشان را افریقایی و سیاه پوست و دومی را آسیایی و سومی را اروپایی معرفی کردند که انتساب ایشان به سه پسر نوح یعنی سام، حام و یافث درست در بیاید.

۳ - کریستنسن Art. Christensen در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» ترجمه مرحوم رشید یاسمی، صفحه ۵۲ میگوید: «یکی از فرق مزدیسنی، که نجوم کلدانی در آن نفوذ گلی کرده و نزد مجوس های آسیای صغیر تکامل یافته بود، متشاه آیین مهرپرستی است، که درامپراتوری روم توسعه بسیار یافت. در این آیین مهر را خدای آفتاب میدانستند».

۴ - اهالی منطقه «فرژی» Phrygia در منطقه مرکزی و غربی آسیای صغیر.